

چکیده

عملیات طوفان الاقصی که هفتم اکتبر ۲۰۲۳ (۱۵ مهر ۱۴۰۲)، از سوی حماس انجام شد، ماهیت و روند بسیاری از تحولات در منطقه غرب آسیا را دگرگون کرده است. هدف این مقاله، تحلیل عملیات مذکور و تحولات متعاقب آن بر روند سازش و به ویژه توافق ابراهیم است که با چشم انداز تقویت روابط بین رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی در حال اجرا بود. در این راستا، پرسش اصلی مقاله این است: «عملیات طوفان الاقصی و متعاقب آن، کشتار مردم فلسطین چه تأثیری بر فرآیند مذاکرات سازش میان رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی دارد؟، فرضیه مقاله نیز این گونه صورت بندی شده است: «عملیات طوفان الاقصی فرآیند عادی سازی روابط برخی کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی را متوقف کرد و برخلاف پیش بینی طراحان توافق ابراهیم، این توافق موجب تبدیل صلح سرد به صلح گرم نخواهد شد». یافته های مقاله حاکی از آن است که با افشاشدن بیشتر اهداف و ماهیت رژیم صهیونیستی در جریان عملیات حماس و متراکم شدن تنفر از این رژیم، روند صلح سرد تا آینده میان مدت متوقف شود و صلح گرم با توجه به جایگاه فلسطین در میان افکار عمومی کشورهای که مقامات رسمی آنها برای تحقق گسترش توافق ابراهیم ی کوشند، محقق نخواهد شد.

واژگان کلیدی

طوفان الاقصی، حماس، توافق ابراهیم، صلح سرد، صلح گرم، رژیم صهیونیستی

عملیات طوفان الاقصی که هفتم اکتبر ۲۰۲۳ (۱۵ مهر ۱۴۰۲) از سوی گروه‌های مقاومت فلسطینی، به ویژه حماس، انجام شد، ماهیت بسیاری از تحولات غرب آسیا را تغییر داده و از جوانب گوناگون، قابل تحلیل است. این عملیات از منظر دلیل‌شناسی و ریشه‌شناسی، واکنش فلسطینی‌ها به محاصره نوار غزه در سال ۲۰۰۷ (۱۳۸۶)، واکنش به تجزیه سرزمین فلسطین تاریخی در سال ۱۹۴۸-۱۹۴۷ (۱۳۲۷-۱۳۲۶) و حتی واکنشی در مقابل ایدئ صهیونیسم سیاسی است که سال ۱۸۹۷ (۱۲۷۶) در کنگره بازل (Basel)، تفکیر اشغال سرزمین فلسطین را بنیان نهاد. از منظر فرآیند و روندشناسی، تحولات پس از هفتم اکتبر شامل اقدامات سبانه نظامی رژیم صهیونیستی و حامیان آن علیه نوار غزه و کرانه باختری است که دبیرکل سازمان ملل آن را نه بخرانی انسانی، بلکه بخرانی برای انسانیت تعبیر کرده است (۲۰۲۳: Guterres).

همچنین، ورود کنشگران جبهه مقاومت اسلامی از لبنان تا یمن در بحران اخیر را می‌توان در این بستر تحلیل کرد. یکی دیگر از سویه‌های بسیار مهم این عملیات، فرجام‌شناسی و پیامدهای داخلی، منطقه‌ای و حتی بین‌المللی آن است. این مقاله، پیامدهای طوفان الاقصی بر فرآیند مذاکرات سازش رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی را ثقل پژوهشی خود قرار می‌دهد. بر این اساس، پرسش اصلی مقاله عبارت است از: عملیات طوفان الاقصی و متعاقب آن، کشتار مردم فلسطین چه تأثیری بر فرآیند مذاکرات سازش میان رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی دارد؟ پاسخ اولیه‌ای که به این پرسش داده می‌شود، این گونه صورت بندی می‌شود: «عملیات طوفان الاقصی فرآیند عادی سازی روابط برخی کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی را حداقل تا آینده میان مدت، متوقف کرد و برخلاف چشم اندازی که برای توافق ابراهیم ترسیم شده بود، این توافق موجب تبدیل صلح سرد به صلح گرم نخواهد

شد. «با توجه به تحاصم رژیم صهیونیستی با جمهوری اسلامی، حضور آن در محیط امنیتی ایران، تهدید جدی به شمار می رود. از این رو، تحلیل پیامدهای عملیات طوفان الاقصی بر فرآیند گسترش منطقه ای و نفوذ این رژیم، به ویژه در حوزه جنوبی خلیج فارس، بسیار ضروری و با اهمیت است.

پیشینه

درباره روند سازش از توافق کمپ دیوید در سال ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) تا توافق ابراهیم در سال ۲۰۲۰ (۱۳۹۹) پژوهش های مختلفی انجام شده است. بخشی از این پژوهش ها بر پیامد توافق ابراهیم و گسترش روابط کشورهای جنوبی حوزه خلیج فارس بر امنیت ملی جمهوری اسلامی متمرکز شده اند (دهقانی فیروز آبادی و دیگران: ۱۴۰۰؛ بیات و ابراهیمی: ۱۴۰۰). در کتاب سیاست خارجی کشورهای کوچک عربی، تغییر محیط هنجاری سیاست گذاری خارجی این کشورها و فرآیند نزدیکی آنها با رژیم صهیونیستی و از اولویت خارج شدن مسئله فلسطین بررسی شده است (Má té: ۲۰۲۲).

جایگاه مسئله فلسطین در فرآیند عادی سازی احتمالی عربستان سعودی با رژیم صهیونیستی، موضوع پژوهش دیگری است و یافته آن این بوده است: «اعراب متحد عربستان، در روند عادی سازی، جایگاه بالایی برای آرمان فلسطین قائل نیستند؛ اما عربستان سعودی که ادعای رهبری مسلمانان را دارد، در شعار، حل مسئله فلسطین را یکی از شروط عادی سازی کامل روابط خود با رژیم اسرائیل می داند. با این حال، چنانچه امنیت آن بیشتر تهدید شود، عربستان این شرط را نیز رها خواهد کرد» (واعظ و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۳۵).

در پژوهش دیگری، دستاوردهای توافق ابراهیم در آستانه ورود به سومین سالگرد امضای آن بررسی شده است. یافته های پژوهش مذکور نشان می دهد به رغم همکاری های گسترده اقتصادی، افکار عمومی جهان عرب، به ویژه کشورهای امضاکننده آن، در قبال رژیم صهیونیستی نسبت به قبل از توافق ابراهیم منفی تر شده است (Feierstein and

(Guzansky: ۲۰۲۳).

در مقاله‌ای که به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد توافق اردن و رژیم صهیونیستی نوشته شده است، این نتیجه حاصل شده که این دو دولت که طرفدار و همسویا جهان غرب هستند، اهداف مشابهی را در سیاست خارجی خود تعقیب می‌کنند؛ اما اختلاف آنها بر سر کرانه باختری و بیت المقدس مانع گذار آنها از صلح سرد به صلح گرم می‌شود (Köprülü: ۲۰۲۱). همچنین در پژوهشی -، نقش روابط ویژه جرالد کوشنر، داماد دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا، با محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان، برای پروژه عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی تحلیل شده است (Ottaway: ۲۰۲۱). بررسی انتقادی پژوهش‌های مرتبط با موضوع مقاله، نشان می‌دهد پژوهش مستقلی که پیامدهای این عملیات را بر فرایند سازش بررسی کرده باشد، یافت نشد و از این رو، این مقاله با هدف پر کردن خلا پژوهشی مذکور نوشته می‌شود.

چارچوب مفهومی؛ صلح سرد و صلح گرم

در تاریخ بشر، جنگ یک قاعده کلی و صلح استثنا بوده است. اگرچه برخی مناطق دنیا، طی دهه‌های اخیر ادوار صلح نسبتاً طولانی را تجربه کرده‌اند؛ اما در غرب آسیا، جنگ به صورت گوناگون همچنان قاعده اصلی است. رژیم صهیونیستی طی ۷۵ سال اخیر، مسبب اصلی و همواره یکی از طرف‌های ثابت جنگ‌های این منطقه بوده است. با این وصف، این رژیم کوشیدن است در کنار جنگ، از ابزار مذاکره و سازش نیز استفاده کند. در حالی که این رژیم همچنان بر تداوم تجاوز به غزه پس از عملیات طوفان الاقصی تأکید می‌کرد؛ اما برای آزادی اسرای خود، غیرمستقیم با حماس مذاکره کرد. با توجه به نوع ماهیت منازعه در غرب آسیا، پذیرش این رژیم از طریق مذاکره به طور کامل محقق نمی‌شود و به این دلیل است که مفاهیمی چون «صلح سرد» (Cold Peace) و «صلح گرم» (Warm Peace) برای تبیین توافقات سازش آن با کشورهای منطقه استفاده می‌شود. این مفاهیم مزید بر مفاهیم کلاسیکی چون «جنگ» و «جنگ سرد» (Cold war) است. دو مفهوم نخست که در این مقاله محوریت دارند،

نیازمند ایضاح بیشتری است تا بر مبنای آنها، پیامدهای طوفان الاقصی بررسی شود.

منظور از جنگ، درگیری خشونت بار دویاچند واحد سیاسی است که همواره در طول تاریخ بشرو وجود داشته است. جنگ های گرم در تاریخ بشر، بر اساس نوع سلاح و سطح فناوری متحول شده اند. درباره دلایل وقوع جنگ، پژوهش های مختلفی انجام شده است. علاوه بر کارل فون کلاوزویتس (Carl von Clausewitz) (۱۷۸۰-۱۸۳۱) بزرگ ترین فیلسوف جنگ که کتاب مشهور «در باب ماهیت جنگ» (On the Nature of War) را نوشته و این گزاره او که «جنگ، ادامه سیاست است؛ اما به زبان دیگر» (کلاوزویتس: ۱۳۹۷)،

می توان به کنت والتز نیز اشاره کرد که نظریه های علل جنگ را در سه دسته یا تصویر طبقه بندی کرده است. وی میان سه «تصویر» از منشأ جنگ تمایز قائل می شود: تصویرهایی که رهبران فردی یا طبیعت انسانی را مقصر می دانند، آنهایی که ریشه در ترکیب داخلی دولت ها دارند و آنهایی که مربوط به ساختار نظام بین المللی هستند (والتز: ۱۳۹۸).

جنگ سرد دو معنای عام و خاص دارد؛ معنی عام آن، جنگ در سطوح غیر نظامی، ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی را در بر می گیرد و مصادیق مختلفی دارد؛ برای نمونه جنگ سرد بین ایران و عربستان طی سال های پس از به قدرت رسیدن ملک سلمان (۲۰۱۵: Gause). معنای خاص جنگ سرد به دوره خاصی از روابط بین الملل اطلاق می شود که بین دو بلوک شرق و غرب از ۱۹۴۵ تا ۱۹۸۹ (۱۳۲۴ تا ۱۳۶۸) حکمفرما بود. در حالی که مفاهیم فوق بر تخصیص و جنگ معطوف هستند، مفاهیم صلح سرد و صلح گرم ناظر بر کاهش تنش میان واحدهای سیاسی هستند. وقتی دوران تقابل نظامی و ایدئولوژیکی فروکش کند، دوره صلح آغاز می شود که دو سطوح متفاوت دارد. در سطح نخست، جنگ گرم میان واحدهای سیاسی متوقف شده و موافقت نامه ای میان مقامات ارشد سیاسی امضای شود. ممکن است سال ها بین دو کشور، صلح در سطح رسمی وجود داشته باشد؛ اما روابط آنها همچنان سرد و غیر دوستانه باشد. «کامپی» و «مرسیب» در پژوهشی تلاش کرده اند فرآیند گذار از جنگ



سرد به صلح سرد و صلح گرم را بررسی و مدل نظری برای آن طراحی کنند (Kappmeier and Mercyb , ۲۰۱۹: ۲۰۱۹). آنها معتقدند در چرخه سه گانه مذکور، «وقتی خشونت متوقف شود، درگیری پایان نمی یابد. جوامعی که با غلبه بر تعارض مواجه می شوند، در روند طولانی آشتی با موانع بسیاری مواجه می شوند تا از مرحله جنگ سرد به صلح گرم عبور کنند. آنها باید شکاف حافظه جمعی نامتجانس را پر کرده و در عین حال، بر بی اعتمادی عمیق بین گروهی غلبه کنند.

خاطرات جمعی ناهمگون با حفظ نفرت و بی اعتمادی به درگیری دامن می زنند» (Kappmeier and Mercyb , ۲۰۱۹: ۵۳۷). صلح سرد مرحله ای است که معمولاً جوامع پس از جنگ گرم، وارد آن می شوند. در این مرحله، خصومت های خشونت آمیز به پایان رسیده و توافق های رسمی که به تقویت روابط بین گروه ها اجازه می دهد، برقرار است. با این حال، روابط صلح آمیز پایدار بدون خطر سقوط به چرخه جنگ سرد هنوز ایجاد شده است. آخرین چرخه آشتی در مدل آنها، صلح گرم است که زمان زیادی طول می کشد تا چرخه آشتی نهایی برقرار شود. احتمالاً مدت ها پس از درگیری به عنوان یک رویداد تقسیم کنند محو شده است.

صلح گرم، مرحله نهایی کاهش تضاد بین دو طرف است که مستلزم گذار از یک دوره طولانی است. طرفین درگیر با حرکت به سوی صلح گرم، یکدیگر را به عنوان یک تهدید در آینده قابل پیش بینی نمی دانند و به حل مسالمت آمیز همه اختلافات اطمینان دارند. این مرحله یک مدینه فاضله را توصیف نمی کند. تنش ممکن است هنوز وجود داشته باشد. با این حال، باید توافق مشترکی وجود داشته باشد که این تنش ها به جای قاطعیت، به صورت مسالمت آمیز و با درجه شدید پایین مورد بررسی قرار گیرد (Kappmeier and Mercyb , ۲۰۱۹: ۵۴۲).

رژیم صهیونیستی و اعراب؛ گذار از جنگ گرم به صلح سرد

تئودور هرتسل، بنیانگذار صهیونیسم سیاسی که صهیونیسم را از فکر و اندیشه صرف، به جنبش و سازمان تغییر داد (المسیری، ۱۳۸۲: ۳۶۶)، در نطق افتتاحیه کنفرانس بازل در سال ۱۸۹۷ (۱۲۷۶) گفت: ما اکنون

سنگ پایه خانه‌ای را بنامی نهم که ملت یهود را پناه و حامی خواهد بود (اسدی، ۱۳۷۹: ۸). اقدامات بسیار مختلفی از سوی صهیونیست‌ها با حمایت گسترده غرب از جمله انگلیس از سال ۱۸۹۷ تا ۱۹۴۷ انجام شد و نتیجه نهایی آنها، تشکیل دولت رژیم صهیونیستی است که با پاک‌سازی قومی و تصفیه نژادی جمعیت بومی فلسطین در جنگ ۱۹۴۸ (۱۳۲۷) همراه شد. تفکرات نژادپرستانه صهیونیست‌ها که بر اساس گزاره و شعار «اسرائیل زانگویل» مبنی بر «سرزمینی بدون مردم برای مردمی بدون سرزمین» ایجاد شد و با مهاجرت صهیونیست‌ها به سرزمین فلسطین و ایجاد ده‌ها گروه شبه‌نظامی مانند «ایرگون»، «پالماخ» و «اشترن» مقارن شد. فلسطینی‌ها از همان سال‌های نخست مهاجرت سازمان یافته یهودیان، احساس تهدید می‌کردند و به این دلیل مقاومت آنها شروع شد. مقاومت عزالدین قسام که اینک نام وی بر شاخه نظامی جنبش حماس اطلاق می‌شود، یکی از مصادیق آن بود. جنبش اخوان المسلمین نیز در واکنش به شکل‌گیری اندیشه صهیونیستی و تحقق عینی آن در سرزمین فلسطین ایجاد شد.

پس از تحزیه سرزمین فلسطین و استقرار رژیم صهیونیستی، دوره جنگ‌های گرم میان این رژیم و کشورهای عربی آغاز شد. رژیم صهیونیستی در سه دهه نخست، ایجاد بازدارندگی باروش شکست دشمنان خود در میدان‌های جنگ را تعقیب می‌کرد. وقتی دیوید بن گوریون تأسیس دولت صهیونیستی در بخشی - از خاک فلسطین را اعلام کرد، ارتش کشورهای عربی متشکل از مصر، سوریه، اردن، لبنان و عراق در ماه می ۱۹۴۸ (۱۳۲۷) به این رژیم حمله کردند و نخستین جنگ اعراب و اسرائیل آغاز شد؛ جنگی که تا ژوئیه سال ۱۹۴۹ (۱۳۲۸) ادامه یافت، موجب شکست اعراب شد و در نتیجه آن، حداقل ۷۵۰ هزار فلسطینی را از خانه و سرزمین خود بیرون راندند و ۷۸ درصد فلسطین تاریخی را به تصرف خود درآوردند.

۲۲ درصد باقی مانده به کرانه باختری اشغالی و نوار غزه تحت محاصره تقسیم

۱. به ویژه اعلامیه بالفور (Balfour Declaration) که در آن از موضع مثبت دولت بریتانیا برای ایجاد خانه ملی برای یهودیان در سرزمین فلسطین خبر داده شد.

ش
(Haddad: ۲۰۲۲). در اثر این نبرد، ۲۰۰ هزار فلسطینی به منطقه غزه (که تحت حاکمیت مصر بود) رفتند. ۴۹۶ هزار فلسطینی به اردن، ۱۰۰ هزار نفر به لبنان، ۸۵ هزار نفر به سوریه و ۲۰ هزار نفر به عراق و مصر گریختند (سروش نژاد، ۱۳۸۵: ۱۲۶-۱۲۸).

رژیم صهیونیستی که با حمایت گسترده آمریکا و کشورهای غربی توانسته بود ارتش‌های عربی را در جنگ نخست شکست دهد، با کمک فرانسه و انگلیس، پس از ملی شدن کانال سوئز توسط جمال عبدالناصر، جنگ ۱۹۵۶ (۱۳۳۵) را نیز به سود خود به پایان برد. جنگ سوم که تنهاش روز طول کشید، نقطه عطفی در تاریخ جنگ‌های گرم اعراب و اسرائیل بود که به نوعی زمینه‌ساز ورود آنها به عصر صلح سرد به شمار می‌رود. این رژیم جنگ ۱۹۶۷ (۱۳۴۶) را آن گونه که خود خواست، آغاز و هدایت کرد و به پایان برد. با ساقط کردن حدود ۴۲۰ هواپیما؛ ۳۰۹ فروند از مصر، ۶۰ فروند از سوریه، ۲۹ فروند از اردن، ۷ فروند از عراق و یک فروند از لبنان، جهان عرب از نظر نظامی در نبرد متقارن زمین گیر شد. کمتر از یک هزار اسرائیلی در مقابل ۲۰ هزار عرب کشته شدند و ۲۶ هزار مایل مربع از سرزمین‌های آنان اشغال شد و ۵۰۰ هزار فلسطینی دیگر آواره شدند و حتی آوارگی به اتباع کشورهای مصر و سوریه نیز تسری پیدا کرد. وسعت سرزمین‌های اشغالی رژیم صهیونیستی با تصرف صحرای سینا، کرانه باختری و قدس شرقی، بلندی‌های جولان و قنطره سوریه به یک میلیون عرب رسید و وسعت سرزمین رژیم صهیونیستی سه برابر شد (سروش نژاد، ۱۳۸۵: ۱۳۰).

پس از شکست ۱۹۶۷ (۱۳۴۶)، قطعنامه ۲۴۲ سازمان ملل تصویب شد که در عمل، به معنای پذیرش تلویحی اسرائیل بود. این قطعنامه را ابتدا مصر و اردن، سپس بقیه کشورهای عربی جزایی در نشست «فاس» در سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱) پذیرفتند. ساف نیز در سال ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) آن را پذیرفت. کشورهای عربی برای جبران حقارت خود در جنگ ۱۹۶۷ (۱۳۴۶)، در اکتبر ۱۹۷۳ (۱۳۵۲) به نیروهای اسرائیلی حمله کردند و طی روزهای نخست، توانستند از برخی موانع به ویژه خط بارلو عبور و بخشی.



از مناطق اشغالی را آزاد کنند؛ اما نهایتاً در این جنگ نیز شکست خوردند. رژیم صهیونیستی با کمک‌های سیاسی و نظامی آمریکا که منابع رسمی آمریکایی مبلغ آن را از ۲۲۰ تا ۳۶۰ میلیارد دلار تخمین زده‌اند (Wolf: ۲۰۲۳)، توانست در جنگ‌های گرم و متقارن بر کشورهای عربی که فلسطین را به یک مسئله عربی تقلیل داده بودند، غلبه کند.

پس از این شکست‌ها بود که برخی کشورهای عربی از جمله مصر که رهبر خط مقدم مبارزه با صهیونیست‌ها برای چندین دهه بود، چرخه صلح سرد اجباری را آغاز کردند. در خلال جنگ اکتبر ۱۹۷۳ (۱۳۵۲) با میانجی‌گری هنری کیسینجر، اولین قرارداد ترک محاصره کوه تابه بین مصر و اسرائیل منعقد شد و با عقب‌نشینی محدود اسرائیل، یک منطقه حائل و امن ایجاد شد (برچر، ۱۳۸۲، ۱۲۷ ج ۲). انور سادات، رئیس‌جمهور مصر، نوامبر سال ۱۹۷۷ (۱۳۵۶) نخستین رهبر کشور عربی بود که به بیت المقدس و پارلمان رژیم صهیونیستی (کنست) سفر کرد. این سفر، راه را برای توافقنامه صلح کمپ دیوید در سپتامبر ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) و امضای نهایی پیمان صلح میان قاهره و تل‌آویو در مارس ۱۹۷۹ با میانجی‌گری آمریکا، فراهم کرد. اردن به عنوان دومین کشور عرب، در سال ۱۹۹۴ (۱۳۷۷)، با پیمان وادی عربیه (the Wadi Araba Treaty) با رژیم صهیونیستی، دوره صلح سرد را آغاز کرد. البته، اردن از سال‌ها قبل با رژیم صهیونیستی روابط محرمانه داشت؛ اما سال ۱۹۹۴ (۱۳۷۷) آن را علنی کرد.

با توجه به اینکه بخش عمده جمعیت اردن را فلسطینی‌ها تشکیل می‌دهند، پیمان وادی عربیه در سطح رسمی و سیاسی باقی مانده است. بخش عمده جامعه مصر نیز هرگز توافق کمپ دیوید را نپذیرفته‌اند. توافق صلح اسلو که زمینه‌های آن از کنفرانس مادرید در سال ۱۹۹۱ (۱۳۷۰) آغاز و نهایتاً در سال ۱۹۹۳ (۱۳۷۲) بین یاسر عرفات، رهبر ساف و اسحاق رابین، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی امضا شد نیز در ادامه فرآیند صلح سرد بود. ابوالعلا، نماینده ساف در مذاکرات اسلو پس از آن که توافقات بهایی انجام شده بود، خطاب به شیمون پرز، وزیر خارجه وقت رژیم صهیونیستی که هفتادمین سالگرد تولدش بود، گفته بود که این هم هدیه مابه مناسبت جشن تولد شما (پرز، ۱۳۷۶: ۴). این توافق موجب واکنش شدید مردم



فلسطین و شکل گیری گروه های مقاومت شد که در اکتبر ۲۰۲۳ (مهر ۱۴۰۲) عملیات طوفان الاقصی را انجام دادند.

گذار از صلح سرد به صلح گرم

برخی از مقامات ارشد رژیم صهیونیستی پس از آغاز جنبش پیداری اسلامی و حمله مردم مصریه سفارت این رژیم در قاهره، به ناکافی بودن صلح سرد با کشورهای عربی اشاره کرده بودند. شیمون پراژاز فرماندهان گروه های شبه نظامی تروریستی صهیونیستی که سال ها وزیر خارجه، نخست وزیر و رئیس رژیم صهیونیستی بود نیز پیش تر بر ناکافی بودن صلح سرد تأکید کرده بود. وی برای آن که توافق های کمپ دیوید و وادی عربیه از سطوح حکومتی کشورهای مصر و اردن به سطوح اجتماعی آنها تسری پیدا کند، طرح خاور میانه جدید را مطرح کرده بود که بر اساس آن، برار حجت همکاری اقتصادی با کشورهای عربی تأکید و پروژه همکاری رژیم صهیونیستی با همسایگان عرب آن و ایجاد سیستم جدید منطقه ای با تأکید بر مقابله با ایران مورد تأکید قرار گرفت. در پروژه مورد نظر پرز، همکاری اقتصادی، گام نخست در کنار همکاری مستمر سیاسی بود (پرز: ۱۳۷۶: ۱۲). بر مبنای ایده پرز، طرح های مختلفی برای گذار به دوره صلح گرم میان طرفین مطرح شد که یکی از بارزترین آنها، طرح مناطق کیفی اقتصادی (Qualifying industrial zones QIZs) بود. این طرح با مصوبه کنفرانس آمریکا در سال ۱۹۹۶ (۱۳۷۵) برای افزایش سطح همکاری میان اسرائیل با مصر و سپس اردن مطرح شد. بر اساس این طرح، با کمک فناوریانه اسرائیل، نیروی کار مصری و اردنی کالاهای مشترکی تولید می شد که با تعرفه بسیار مناسب قابلیت صدور به آمریکا را خواهد داشت.

توافق ابراهیم، بخشی از پروژه قرن یا معامله بزرگی که جerald کوشنر، داماد یهودی دونالد ترامپ، مأمور اجرای آن بود، جدی ترین گام در راستای ایجاد صلح گرم میان کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی بود. این معامله، کشورهای فراتر از همسایگان سرزمین فلسطین را در بر



می‌گرفت و مرحله نخست آن بر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس متمرکز بود. معامله قرن همان گونه که از نامش پیداست، به دنبال معامله ای اقتصادی است که در قبال پذیرش رژیم صهیونیستی، به طرف عربی، پاداش اقتصادی-امنیتی اعطای شود. برای اجرای معامله قرن، ۵۰ میلیارد دلار هزینه برآورد شد. آمریکا اعلام کرد صندوقی با سرمایه ای بالغ بر ۵۰ میلیارد دلار رایج-اد خواهد کرد که برای سرمایه گذاری و ایجاد زیرساخت مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

مصادق عملیاتی معامله قرن، توافقات ابراهیم است که میان اسرائیل، امارات متحده عربی و آمریکا در ۱۳ اوت ۲۰۲۰ (۲۳ مرداد ۱۳۹۹) منعقد شد. با این توافق، امارات متحده سومین کشور عربی بود که روابط رسمی با رژیم صهیونیستی برقرار کرد. این توافق، ادامه دیپلماسی پنهان رژیم صهیونیستی در منطقه خلیج فارس بود که از سال‌های پیش آغاز شده بود؛ اما این روند طی سال‌های اخیر از حالت مخفیانه و محرمانه خارج شد و جنبه آشکار به خود گرفت. سفر نتانیا هو به عمان و دیدار باملک قابوس در اکتبر ۲۰۱۸

(مهر ۱۳۹۷) و امضای توافق ابراهیم میان رژیم صهیونیستی با امارات عربی و سپس بحرین، با هدف اصلی گذار از صلح سرد به صلح گرم بود. توافق ابراهیم با هدف ایجاد خاور میانه پایدار، صلح آمیز و مرفه، به سود همه کشورهای و مردم منطقه بین رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی و آمریکا به امضا رسید.

با توجه به اسناد منتشر شده و نیز اظهارات دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، قرار بود که توافق ابراهیم تسری یابد و در کوتاه مدت، پنج کشور عربی دیگر به آن بپیوندند. از همه مهم‌تر، چشم‌انداز پیوستن عربستان به آن بود. به دلیل این چشم‌انداز وسیع، توافق ابراهیم را مگا دیل (megadeal) نامیدند و پیش‌بینی می‌شد که این توافق، اقتصاد، سیاست و امنیت منطقه را متحول خواهد کرد. قرار بود عربستان با گرفتن تضمین امنیتی از آمریکا، دریافت سلاح‌های پیشرفته تر و فناوری هسته‌ای غیرنظامی، روابط خود را با رژیم صهیونیستی عادی کند. از این طریق، فلسطینی‌ها از توافق سه جانبه منتفع می‌شوند و از نظر آمریکا هم

در مقابل نفوذ روبه رشد چین و روسیه در منطقه خاور میانه، یک چارچوب امنیتی جدید منطقه‌ای ایجاد می‌شود (Feierstein and Guzansky, ۲۰۲۳: ۱) و پارادایم نوینی برای ثبات و امنیت منطقه شکل می‌گیرد.

ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، پس از توافق ابراهیم در تویتر خود نوشت: «موفقیت بزرگ امروز، توافقنامه صلح تاریخی بین دو دوست بزرگ ما، اسرائیل و امارات متحد عربی است. اکنون که مخ شکسته شده است، انتظار دارم که کشورهای عربی و مسلمان بیشتری راه امارات متحد عربی را دنبال کنند.» دقایقی پس از این پیام، بنیامین نتانیا هو، نخست‌وزیر اسرائیل، «روز تاریخی» را توییت کرد. همچنین محمد بن زید بن آل نهیان، حاکم امارات، بیانیه‌ای را در تویتر منتشر کرد و گفت: «امارات و اسرائیل همچنین با همکاری و ایجاد نقشه راه برای ایجاد روابط دو جانبه موافقت کردند.» مایک پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا نیز آن را «یک روز تاریخی و گامی مهم در جهت صلح در خاور میانه» توصیف کرد. پمپئو افزود: این دست‌یابی به موفقیت دیپلماتیک، صلح را در منطقه خاور میانه پیش خواهد برد و گواهی بر دیپلماسی جسورانه و چشم‌انداز سه‌رهبر برای ترسیم مسیری جدید است که ظرفیت‌های بزرگ را در آن منطقه باز خواهد کرد. اسرائیل و امارات متحد عربی برای راه‌اندازی یک دستورکار راهبردی برای خاور میانه برای گسترش همکاری‌های دیپلماتیک، تجاری و امنیتی با ایالات متحد همراه خواهند شد (Wootliff, ۲۰۲۰: ۱).

بنیامین نتانیا هو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در بیانیه‌ای گفته بود که توافقنامه‌های صلح تاریخی که ما به دست آورده‌ایم، به سرعت و با گام‌های بزرگ در حال تأمین منافع کشورهای در حوزه‌های متعدد است. نتانیا هو با استفاده از یک شعار برای توصیف توافق عادی‌سازی به عنوان یک تغییر پارادایم از قراردادهای صلح درازای امتیازات، گفته بود که صلح واقعی به این صورت است: صلح برای صلح، اقتصاد برای اقتصاد (The Times of Israel, ۲۰۲۰) و در جای دیگری گفته بود: منافع اقتصادی بزرگ مشارکت با مادر سراسر منطقه احساس خواهد شد (Kram, ۲۰۲۰).

پیمان ابراهیم، فراتر از صلح سرد چند دهه گذشته میان مصر و اردن با رژیم صهیونیستی است که با بروز حوادث سیاسی، به تنش‌های لفظی



میان این کشورها منجر می‌شد. موقعیت اقتصادی بحرین و امارات به عنوان مراکز تجاری منطقه‌ای به این معنی است که این پیمان، تعاملات اقتصادی بین تعداد بسیار زیادی از سرمایه‌گذاران رژیم صهیونیستی و صدها هزار کارگر عرب را ارتقا خواهد داد. بنابراین، پیمان ابراهیم ضعف اساسی دو توافقنامه قبلی را جبران می‌کند (Fiore, ۲۰۲۰). علاوه بر این، معاهدات منعقد شده اسرائیل با این کشورها در سه دهه گذشته، سودهای اقتصادی ناچیزی برای طرفین داشته است. بر اساس گزارش بانک جهانی، در سال ۲۰۱۸ (۱۳۹۷) صادرات مصر به اسرائیل حدود نیم میلیارد دلار و واردات از اسرائیل هم کمتر از ۱۱۵ میلیون دلار بوده است. تجارت اسرائیل با اردن حتی ناچیزتر از آن و کمتر از ۸۰ میلیون دلار بوده است (Schwartz, ۲۰۲۰).

این پیمان همچنین زمینه‌های همکاری رژیم صهیونیستی، امارات و بحرین در حوزه‌های سلامت، علم، فناوری، امنیت سایبری، محیط زیست، کشاورزی و امنیت آب و غذا و نیز حوزه‌های تجاری مانند هوانوردی غیر نظامی، گردشگری و انرژی را پیش‌بینی کرده و همین‌طور روابط آمریکاییان با این دو کشور عربی را ارتقا می‌دهد (Alsaied, ۲۰۲۰: ۴) و ظرفیت‌های سودآور روابط تجاری و سرمایه‌گذاری منطقه‌ای در طیف وسیعی از بخش‌های تجاری، از حمل و نقل هوایی و مالی گرفته تا سلامت و گردشگری دارد. این پیمان همچنین راه را برای برقراری پروازهای مستقیم، ایجاد ارتباطات مخابراتی، ایجاد سرمایه‌گذاری‌های مشترک و ورود به تجارت آزاد که مدت‌هاست زیرزمینی بوده، هموار می‌کند (Schatz, ۲۰۲۰).

در این شرایط بود که آموس یادلین، توافق ابراهیم را گذار از صلح سرد اسرائیل با جهان عرب تعبیر کرده است (Yadlin: ۲۰۲۲). اوج صلح گرم میان رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی، نشست نقب بود که ژوئن ۲۰۲۲ (خرداد ۱۴۰۱) برگزار شد. در این نشست وزرای خارجه بحرین، مصر، اسرائیل، آمریکا، مراکش و امارات متحد عربی شرکت داشتند.

برخی تحلیل‌گران، توافق اسرائیل و امارات را مصداق بارز صلح گرم معرفی کرده بودند: در نتیجه توافق بین اسرائیل و امارات متحد عربی، درباره تعداد زیادی سرمایه‌گذاری مشترک، نه تنها در سطح دولتی،

بلکه بین بازیگران خصوصی و جامعه مدنی توافق شده است. بنابراین، برای اولین بار، صلح گرم در حال ظهور است. در حال حاضر، روابط اسرائیل با امارات به وضوح از روابط مصر و اردن پیشی گرفته است. وجود اسرائیل نه تنها به عنوان یک واقعیت به رسمیت شناخته می شود؛ بلکه این کشور به طور فزاینده ای به عنوان شریک و بخشی از منطقه پذیرفته می شود (Asseburg and Henkel, ۲۰۲۱).

در تحلیل دیگری تأکید شد: این پیمان نه تنها برای صلح و خروج از وضعیت جنگی است (اگرچه تنش نظامی بین دو کشور اتفاق نیفتاده)؛ بلکه توافقی برای عادی سازی کامل روابط است. از این نظر، پیمان ابراهیم با توافقنامه های صلح قبلی اسرائیل با همسایگانش یعنی اردن و مصر متفاوت است و همکاری در طیف وسیعی از حوزه های غیر نظامی را به امید خنثی کردن تنش های احتمالی آینده، عمده تاً با توجه به درگیری اسرائیل و فلسطین، ترویج می کند و این ظرفیت را دارد که مسیری برای همکاری های اقتصادی گسترده و بلندمدت را میان این سه کشور و حتی سایر کشورهای منطقه شکل دهد (Eric Canal & Narayanappa, ۲۰۲۱: ۴۸).

علاوه بر امارات متحد، تحقق صلح گرم بین رژیم صهیونیستی و بحرین نیز مورد تأکید قرار گرفت. در این راستا بود که این دو از طرحی دو جانبه و ۱۰ ساله موسوم به «راهبرد مشترک صلح» خبر دادند که قرار است نقشه راهی برای توسعه روابط میان دو طرف باشد. دو طرف از ایجاد اثرات مثبتی مشترک صلح که اولویت را به زمینه های مورد توجه دو طرف از جمله نوآوری، امنیت غذایی و آبی، انرژی پایدار، خدمات بهداشتی، آموزش، تجارت و سرمایه گذاری خواهد داد، استقبال کردند. بحرین و رژیم صهیونیستی درباره حمایت از تجارت، سرمایه گذاری های مشترک و سفرهای متقابل وزرا و مقامات توافق کردند و قرار است کمیته های اقتصادی مشترکی برای تقویت و توسعه همکاری های مدنی، اقتصادی و تجاری میان دو طرف تشکیل شوند. این توافقات در خلال دیدار حمد بن عیسی آل خلیفه، پادشاه بحرین در منامه با نفتالی بنت، نخست وزیر رژیم صهیونیستی صورت گرفت.

طوفان الاقصی و سرنوشت صلح گرم

برخلاف پیش‌بینی طراحان توافق ابراهیم، این توافق منجر به صلح گرم نشد و افکار عمومی کشورهای عربی به ویژه سه کشور امضاکننده توافق نسبت به رژیم صهیونیستی پس از امضای توافق، منفی تر شده است. براساس گزارش تحلیلی و مستند مفصلی که پژوهشگران صهیونیستی در آستانه سومین سالگرد امضای توافق ابراهیم تهیه کرده بودند، گذار از صلح سرد به صلح گرم رخ نداده است و پس از حملات سبعانه رژیم صهیونیستی که تار و زاتش بس موقت به حدود ۱۵ هزار شهید در نوار غزه و کرانه باختری منتهی شد، این صلح هرچه بیشتر سرد خواهد شد.

طبق گزارش تحلیلی مذکور، در سال ۲۰۲۰ (۱۳۹۹) که توافق ابراهیم امضا شد، حدود ۴۰ درصد بحرینی‌ها و اماراتی‌ها نسبت به اسرائیل نظر مساعدی داشتند؛ اما در نظر سنجی مارس ۲۰۲۳ (۱۴۰۲)، این میزان در بحرین به ۲۰ درصد کاهش یافت. افکار عمومی در مراکش نسبت به اسرائیل منفی تر شده است. در حالی که ۶۷ درصد با توافق بارزیم صهیونیستی مخالفند، تنها ۲۰ درصد مراکشی‌ها با آن موافقند. در نظر سنجی ای که از سوی مرکز عرب واشنگتن (the Arab Center in

Washington) از شهروندان ۱۴ کشور عرب از ژوئن تا دسامبر ۲۰۲۲ (۱۴۰۱) انجام شده، ۸۴ درصد پاسخ‌دهندگان با عادی‌سازی روابط با اسرائیل مخالفت کردند و تنها ۸ درصد پاسخ‌دهندگان موافق عادی‌سازی روابط با اسرائیل هستند. طبق این نظر سنجی، ۵۰ درصد پاسخ‌دهندگان، اسرائیل را یک کشور اشغالگر معرفی کردند و ۲۰ درصد نیز اسرائیل را نژادپرست و دشمن اعراب می‌دانند. قبل از دیدار جنبش‌های وزیر خارجه لیبی با همتای اسرائیلی وی که به اخراج و فرارش از لیبی منجر شد، ۹۶ درصد لیبیایی‌ها مخالفت خود را با عادی‌سازی روابط با اسرائیل اعلام کردند، در حالی که تصویری شد با توافق ابراهیم و تلاش اسرائیل برای ایجاد موازنه تهدید با اعراب علیه جمهوری اسلامی، موازنه منافع اعراب. اسرائیل علیه موازنه تهدید ایران ایجاد شود (۲۰۱۱: ۲۰۲۰، Szalai, Má té) و فلسطین در میان افکار عمومی جهان عرب، به حاشیه رود. طبق نظر سنجی مرکز مذکور، مسئله فلسطین، مسئله مرکزی قلب و ذهن



اعراب است (۹: ۲۰۲۳، Feierstein and Guzansky).

این نگرش‌های منفی قبل از موج تنفر منطقه‌ای و بین‌المللی بوده که علیه رژیم صهیونیستی ایجاد شده است. در صورتی که نظر سنجی جدیدی از افکار عمومی جهان عرب انجام شود، سردی صلح بیشتر نمایان می‌شود. واکنش افکار عمومی کشورهای عربی پس از عملیات طوفان الاقصی به ویژه همدردی آنها با مردم فلسطین، نشان داد که هویت اسلامی-عربی در قبال فلسطین قابل تقلیل به اقتصاد نبوده و قابل معامله نیست. بنیان اصلی صلح گرم، اعتماد است؛ یعنی آنچه که در قبال رژیم صهیونیستی وجود ندارد. رژیم صهیونیستی صلح نمی‌خواهد؛ زیرا بنیان آن بر توسعه طلبی است. این رژیم تسلیم می‌خواهد، نه صلح. پس از طوفان الاقصی، ماجرای عادی سازی روابط اسرائیل با کشورهای عربی نه تنها به محاق رفت؛ بلکه نشان داد فلسطین بازیگران مختلفی و قوی دیگری، از جمله گروه‌های سیاسی نظامی در غزه و مردم فلسطین دارد. این عملیات نشان داد عامل انسانی همچنان در جهان بسیار مهم است؛ چه در بعد داخلی سرزمین‌های اشغالی و چه در بعد بین‌المللی. تنها حاکمان نمی‌توانند برای سر نوشت سیاسی یک ملت تصمیم‌گیری کنند. عملیات اخیر مقاومت همچنین همه محاسبات منطقه‌ای و بین‌المللی را به هم ریخت و ضربه شدیدی به سیاست‌های صهیونیست‌ها وارد کرد که به دنبال یکسره کردن سیطره بر کرانه باختری و تقسیم مسجد الاقصی بودند. این عملیات دوباره فلسطین را به صدر مسائل جهان اسلام آورد و با کشتار مردم غزه، این مسئله برای بسیاری از مردم جهان، از جمله افکار عمومی کشورهای عربی به یک موضوع ویژه تبدیل شد.

اگرچه برخی کشورهای عرب مانند امارات متحده عربی و بحرین در روزهای نخست پس از انجام عملیات طوفان الاقصی حماس را محکوم کردند؛ اما با اقدامات سبعمانه رژیم صهیونیستی و اعتراضات مردم در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، به تدریج مواضع خود را تغییر دادند. در کنار امامان جمعه در عربستان، کویت، بحرین، عمان و قطر که اقدامات صهیونیست‌ها را محکوم می‌کردند، تظاهرات خیابانی که در کشورهای



این منطقه خیلی مرسوم نیست، علیه رژیم صهیونیستی، رهبران این کشورها را مجبور کرد به رغم تمایلاتی که برای حفظ روابط رسمی و غیر رسمی خود داشتند، علیه اسرائیل موضع بگیرند. در حالی که کشورهای ثروتمند عربی در نشست سران کشورهای عربی خلیج فارس در ۱۷ اکتبر وعده کمک ۱۰۰ میلیون دلاری به فلسطینی ها دادند، تنها دو مؤسسه خیریه در کویت وعده کمک ۱۰ میلیون دلاری را دادند (Cengiz and Akkas: ۲۰۲۳).

کشورهای عربی خلیج فارس احتمالاً به همبستگی خود با مردم فلسطین و انتقاد علنی از عملیات اسرائیل علیه غزه ادامه خواهند داد. آنها همچنین از برقراری ارتباط مستقیم با اسرائیل، حداقل در ملاء عام، خودداری خواهند کرد تا از خشم خیابان ها جلوگیری کنند. آنها ممکن است انتخاب کنند که از طریق واسطه ها، به ویژه ایالات متحده، ارتباط برقرار کنند؛ اما همچنین می توان انتظار داشت که دیپلماسی خود را برای پایان دادن به درگیری تقویت کنند.

نتیجه گیری

هدف این مقاله، بررسی پیامدهای عملیات طوفان الاقصی بر روند مذاکرات سازش، پروژه عادی سازی روابط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی در چشم انداز معامله بزرگ قرن، به ویژه توافق ابراهیم بود. تحلیل مطالب برای پردازش فرضیه مقاله نشان می دهد که عملکرد رژیم صهیونیستی از ۷ اکتبر تا وقتی که آتش بس موقت چهار روزه اعلام شد، ماهیت اصلی رژیم را محدود و این بار با وضوح بیشتری برای برخی کشورهای عربی که در فرآیند صلح گرم قرار گرفته بودند، نشان داد. افکار عمومی و مردم کشورهای عربی که تلاش می شد ذیل دگر سازی ایران به عنوان تهدید منطقه ای، از دوره صلح سرد وارد صلح گرم با رژیم صهیونیستی شوند و با افصح بیشتر ماهیت آن از صلح گرم فاصله بیشتری خواهد گرفت.

عرستان سعودی که پیش از این نشانه های عادی سازی روابط آن با رژیم صهیونیستی محرز شده بود، در دوره پسا اکتبر ۲۰۲۳ (مهر ۱۴۰۲) به

شدت تحت تأثیر فشار عمومی داخلی، منطقه‌ای و حتی بین‌المللی است. کارنامه ناموفق سازمان‌های بین‌المللی از جمله شورای امنیت و حمایت بی‌جد و حصر آمریکا از رژیم صهیونیستی نشان داد که آمریکا داور و میانجی بی‌طرفی در بحران فلسطین نخواهد بود و نتایج معامله بزرگ قرن در نوار غزه تکمیل شد و کشورهای عربی در قبال امتیاز به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی در توافق ابراهیم، امتیاز محسوسی نخواهند گرفت و در نهایت، فرآیند گذار از صلح سرد حداقل تا آینده میان مدت به صلح گرم منتهی نمی‌شود.



منابع و مآخذ

- اسدی، بیژن. (۱۳۷۹). «صهیونیسم سیاسی: تبدیل آرمان مذهبی به سیاسی»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: رژیم اشغالگر قدس شناسی. آمریکاشناسی، جلد چهارم.
- بیات، محسن و ابراهیم طاهری. (۱۴۰۰). «آیند پژوهی معامله قرن، دودولت بایک حاکمیت و مشروعیت بخشی به طرح اسرائیل بزرگ»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، پاییز، سال یازدهم، شماره سوم. صص ۱۲۷-۱۵۴.
- برچر، مایکل. (۱۳۸۲). بحران در سیاست جهان، ترجمه حیدر علی بلوچی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ج ۲.
- پرز، شیمون. (۱۳۷۶). خاورمیانه جدید، ترجمه عدنان قارونی، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی آسیا.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال الدین و دیگران. (۱۴۰۰). عادی سازی روابط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی و پیامدهای امنیتی آن برای جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۹۶. صص ۱۰۱-۱۲۴.
- کلاوزویتس، کارل فون. (۱۳۹۷). درباب ماهیت جنگ، ترجمه مرضیه خسروی، تهران: روزگار.
- گارودی، روزه. (۱۳۷۶). تاریخ یک ارتداد: اسطوره‌های بینان گذار سیاست رژیم اشغالگر قدس، ترجمه مجید شریف، تهران: رسا.
- المسیری، عبدالوهاب. (۱۳۸۲). دایره المعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم، ترجمه مؤسسه فرهنگی مطالعات و پژوهش‌های تاریخ خاورمیانه، تهران: کنفرانس بین المللی حمایت از انتفاضه فلسطین، دبیرخانه.
- نوروزی فیروز، رسول و دیگران. (۱۴۰۲). تحلیل روند مناسبات کشورهای عرب خلیج فارس و اسرائیل از واگرایی به همگرایی. فصلنامه علوم سیاسی، ۲۰۴-۲۳۲ (۲).
- والتز، کنت. (۱۳۹۸). انسان، دولت و جنگ، ترجمه محمدرضا رستمی، تهران: ثالث.

- Asseburg, Muriel and Sarah Charlotte Henkel (۲۰۲۱), Normalisation and Realignment in the Middle East, A New, Conflict-Prone Regional Order Takes Shape, SWP Comment ۲۰۲۱/C ۴۵, ۲۸,۰۷,۲۰۲۱, Available at: <https://www.swp->

- berlin.org/publikation/normalisation-and-realignment-in-the-middle-east
- Cengiz, Sinem and Betül Dogan Akkas (٢٠٢٢), Gulf Normalization Under Strain as Israel Pounds Gaza , https://mecouncil.org/blog_posts/gulf-normalization-under-strain-as-israel-pounds-gaza/
- Feierstein, Gerald M. and Yoel Guzansky(٢٠٢٢), A mixed report card: The Abraham Accords at three, Available at:<https://www.mei.edu/sites/default/files/A%20mixed%20report%20card%20The%20Abraham%20Accords%20at%20three.pdf>.
- Gause III, F. Gregory(٢٠١٥), Ideologies, alliances and underbalancing in the new Middle East Cold War. Project on Middle East Political Availabel st: <http://pomeps.org/%2015/08/26/ideologies-alliances-and-underbalancing-in-the-new-middle-east-cold-war/>
- Guterres, Antonio(٢٠٢٣) ,Gaza is becoming a graveyard for children, Available at: <https://turkiye.un.org/en/%D0%B2-guterres-%E2%80%9Cgaza-becoming-graveyard-children%E2%80%9D..>
- Köprülü, Nur (٢٠٢١) ٢٥ years of Jordan-Israel peace-making: from ‘warm peace’ to ‘cold peace’?, Middle Eastern Studies, ٥٧:٣, ٤٥٦-٤٦٨, DOI: ١٠.١٠٨/٠٠٢٦٣٢٠٦. ٢٠٢١, ١٨٩٨٣٨١
- Má té, Szalai (٢٠٢٠), The foreign policy of smaller Gulf states : size, power, and regime stability in the Middle East , New York, NY : Routledge.
- Ottaway, David(٢٠٢١), Mohammed bin Salman : the Icarus of Saudi Arabia? Lynne Rienner Publishers, Inc.
- Szalai, Má té (٢٠٢٠), The foreign policy of smaller Gulf states : size, power, and regime stability in the Middle East , New York, NY : Routledge.
- Thrall, Nathan. (٢٠١٧). The Only Language They Understand: Forcing Compromise in Israel and Palestine, New York: Metropolitan Books.
- Walt, Stephen M. (٢٠٢٣), Looking Ahead to ٢٠٢٣ by Looking Back, Foreign Policy, Available at:<https://foreignpolicy.com/2023/01/04/looking-ahead-to-2023-by-looking-back/>
- Wolf, Christopher (٢٠٢٣), How Much Aid Does the U.S. Give to Israel? <https://www.usnews.com/news/best-countries/articles/2023-10-10/how-much-aid-does-the-u-s-give-to-israel>
- Woolliff, Raoul, (٢٠٢٠),” In historic declaration, Israel and United Arab Emirates agree to normalize ties”, Times of Israel, No. ١٣ August, available at:<https://www.timesofisrael.com/in-historic-declaration-israel-and-united-arab->

emirates-agree-to-normalize-ties

- Yadlin, Amos. (۲۰۲۰). Normalization of Israeli ties with the Persian Gulf Countries. QUARTERLY JOURNAL OF PALESTINE STRATEGIC DISCOURSE, ۲(۴), ۰۰. SID. <https://sid.ir/paper/۷۶۶۸۳۵/en>

